



اصول فقه ۳ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۱۳

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای یوسف رستماني

مقدمه

بحث ما در درجهٔ وثوقی است که از وسایل احراز وجدانی حاصل می‌شود. برای رسیدن به این مسئله، ابتدا می‌بایست ببینیم که این وسائل، ما را به چه چیزی ازقطع و اطمینان و ظن می‌رساند؛ چرا که درجهٔ وثوق در هر یک از این سه مورد، متفاوت می‌گردد.

احراز وجدانی در مقابل احراز تعبدی قرار دارد و حجیت آن در صورتی که ما را به قطع و نیز طبق قولی به اطمینان برساند، ذاتی است و شارع نمی‌تواند در آن دخل و تصرف نماید و مکلف را از عمل بر طبق آن باز دارد؛ اما در احراز تعبدی، به اذن شارع محتاجیم.

در این درس دربارهٔ کیفیت حصول قطع و اطمینان و ظن از وسایل احراز وجدانی و نیز کیفیت حجیت هر یک از آنها بحث خواهیم کرد.

متن درس

درجة الوثوق في وسائل الإحراز الوجداني:

وسائل الإحراز الوجداني التي يقوم كشفها على حساب الاحتمال تؤدي تارةً إلى القطع بالدليل الشرعي، وأخرى إلى قيمة احتمالية كبيرة، ولكن تناظرها في الطرف المقابل قيمة احتمالية معتد بها. وثالثة إلى قيمة احتمالية كبيرة تقابلها في الطرف المقابل قيمة احتمالية ضئيلة جداً، وتسمى القيمة الاحتمالية الكبيرة في هذه الحالة بالاطمئنان، وفي الحالة السابقة بالظن.

ولا شك في حجّة الإحراز الواصل إلى درجة القطع تطبيقاً لمبدأ حجّة القطع، كما لا شك في أن الإحراز الظني غير كاف للمقصود ما لم يقدّم دليل شرعي على التعبد به فيدخل في نطاق الإحراز التعبدى. وأما الاطمئنان فقد يقال بحجّته الذاتية عقلاً تنجيهاً وتعديراً، كالقطع، بمعنى أن حق الطاعة الثابت عقلاً كما يشمل حالة القطع بالتكليف كذلك يشمل حالة الاطمئنان به، وكما لا يشمل حالة القطع بعدم التكليف كذلك لا يشمل حالة الاطمئنان بعدمه.

فإن صحّت هذه الدعوى لم تكن بحاجة إلى تعبد شرعي للعمل بالاطمئنان، مع فارق، وهو: إمكان الردع عن العمل بالاطمئنان مع عدم إمكانه في القطع، كما تقدّم.

وإن لم تصحّ هذه الدعوى تعيّن طلب الدليل على التعبد الشرعي بالاطمئنان.

والدليل هو السيرة العقلية الممضاة بدلالة السكوت. وفي مقام الاستدلال على حجّة الاطمئنان شرعاً بالسيرة العقلية مع سكوت الشارع عنها لا بدّ من افتراض القطع بهذين الركنين، ولا يكفي الاطمئنان، وإلّا كان من الاستدلال على حجّة الاطمئنان بالاطمئنان.

درجه وثوق حاصله از وسایل احراز وجدانی

بحث ما در درجه وثوقی است که از وسایل احراز وجدانی حاصل می‌شود. در پایان مبحث وسائل اثبات وجدانی، به نکته‌ای اشاره می‌کنیم و آن این که آنچه از این وسائل اثبات وجدانی برای ما حاصل می‌شود، در سه مرحله قابل تبیین است:

کیفیت حصول قطع و اطمینان و ظن از وسایل احراز وجدانی

گاهی اوقات این وسائل اثبات وجدانی که مبتنی بر حساب احتمالات است، مفید قطع‌اند و گاه مفید اطمینان بوده و گاهی هم افاده ظن می‌کند.

تفاوت این سه را می‌شود در نقطه مقابل دید؛ به این صورت که هرگاه، قطع به چیزی حاصل شد، دیگر به هیچ عنوان احتمال خلاف نمی‌رود و احتمال خلاف به صفر می‌رسد. هر گاه اطمینان به چیزی حاصل شد، احتمال مقابل بسیار ناچیز می‌شود؛ در حدی که عرفاً قابل اعتنا نبوده و کالعدم محسوب می‌شود. اما هر گاه ظن حاصل شد، طرف مقابل احتمالی نسبتاً قابل اعتنا خواهد داشت؛ اما از حیث قوت در مرتبه نازلتری نسبت به طرف دیگر قرار دارد. مثلاً اگر ما ۸۰٪ ظن به ثبوت چیزی داشتیم، ۲۰٪ احتمال عدم آن چیز را خواهیم داد که از حیث قوت، در مرتبه نازلتری نسبت به ۸۰٪ قرار دارد. نکته‌ای که در اینجا می‌بایست مورد دقت قرار بگیرد، این است که اطمینان به نگاه دقیق، یک ظن محسوب می‌شود؛ ظنی که نزدیک به یقین شده است. از همین رو گاه از آن به ظن متاخم یقین (قریب به یقین) تعبیر می‌کنند. اما از نگاه عرفی و عامیانه، اطمینان، در حقیقت قطع محسوب شده و ملحق به آن می‌شود؛ یعنی عرف در اطمینان‌های خود اصلاً احتمال خلاف را نمی‌بیند و به آن اعتنا نمی‌کند. از همین رو با اطمینان، معامله‌ای می‌کند که با قطع می‌نماید. بنابراین اطمینان، از نگاه دقیق، ظن است و از نگاه تسامحی عرفی، ملحق به قطع می‌شود.

تطبیق

درجة الوثوق فی وسائل الإحراز الوجدانی:

وسائل الإحراز الوجدانی التي يقوم كشفها^۱ على حساب الاحتمال تؤدي تارةً إلى القطع بالدليل الشرعي،

درجة وثوقی که در ابزار احراز وجدانی حاصل می‌شود:

وسائل احراز وجدانی که کاشفیت آنها بر حساب احتمال قائم است منجر می‌شود، گاهی به قطع به دلیل شرعی (یعنی کاشفیتی در حد اعلی دارد).

و اخرى إلى قيمة^۲ احتمالية كبيرة^۳، ولكن^۴ تناظرها^۵ في الطرف المقابل قيمة^۱ احتمالية معتد بها.

۱. مرجع ضمیر: وسائل.

۲. عطف به «القطع».

۳. صفت «قيمة».

۴. لکن را می‌گویند تا ظن را از اطمینان منفک کنند.

۵. مرجع ضمیر: قيمة احتمالية كبيرة.

و گاهی هم به یک قیمت و مقدار کبیری از احتمال منجر می‌شود. ولیکن نظیر این قیمت احتمالی (که در این سوی مسئله وجود دارد و کبیر توصیف شد) یک قیمت احتمالی قابل توجه دیگر، در نقطه مقابل وجود دارد. و ثالثاً^۲ إلى قيمة احتمالية كبيرة تقابلها^۳ في الطرف المقابل قيمة احتمالية ضئيلة جداً، و تسمى القيمة الاحتمالية الكبيرة في هذه الحالة بالاطمئنان، و في الحالة السابقة بالظن.

و در مرتبه سوم، وسائل احراز وجدانی، به یک قیمت احتمالی بزرگ منجر می‌شود (تا اینجا شبیه به حالت ظن است) اما در طرف مقابل آن، قیمت احتمالی بسیار ناچیزی وجود دارد (مثلاً ۲٪ که از دید عرف اصلاً به حساب نمی‌آید) و آن قیمت احتمالی کبیر در این حالت (که در مقابل آن یک قیمت بسیار ناچیزی وجود دارد که عرفاً کالعدم است) اطمینان و در حالت سابقه (یعنی احتمال کبیری که در نقطه مقابلش، یک مقدار احتمال قابل اعتنا وجود داشت) ظن نامیده می‌شود.

SCO۱: ۱۱:۲۷

کیفیت حجیت هر یک از قطع و اطمینان و ظن

پس ما به کمک وسائل احراز وجدانی به یکی از سه حالت قطع، اطمینان و ظن به دلیل شرعی دست خواهیم یافت.

اما در اینجا نسبت به کیفیت حجیت قطع و ظن، بحث و اختلافی وجود ندارد و روشن است که:

۱. اگر قطع به دلیل شرعی یافت شد، این قطع، ذاتاً حجت است و نیازی به تعبد از جانب شارع ندارد.
۲. اگر ظن به چیزی حاصل شد، این ظن، ذاتاً حجت نیست، بلکه برای حجیت آن، باید دلیل شرعی قائم گردد و تا دلیل شرعی بر حجیت آن یافت نشود، فاقد حجیت است. پس ظن، ذاتاً حجت نیست، بلکه حجیت آن تعبدی است.

البته به این نکته باید توجه داشت که اگر شما به قطع رسیدید، در واقع یک وسیله احراز وجدانی یافته‌اید؛ چون وسائل احراز وجدانی، باید منجر به قطع شود؛ اما اگر به ظنی رسیدید که دلیل شرعی بر حجیت آن قائم شده بود، در حقیقت به یکی از وسائل اثبات تعبدی که مفید ظن معتبر است، دست یافته‌اید.

اختلاف در نحوه حجیت اطمینان

در اینجا این سؤال پیش خواهد آمد که تکلیف اطمینان چیست؟ و آیا اطمینان به مانند قطع، ذاتاً حجت است و وسیله مؤدی به اطمینان، از وسائل اثبات وجدانی محسوب می‌شود یا آنکه اطمینان ذاتاً حجت نیست، بلکه حجیت آن باید از ناحیه شریعت گرفته شود؟ یعنی وسیله منجر به این اطمینان، از وسائل تعبدی محسوب می‌شود؟ در این باره، دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول درباره کیفیت حجیت اطمینان

۱. فاعل تناظر.

۲. متعلق: تؤدی.

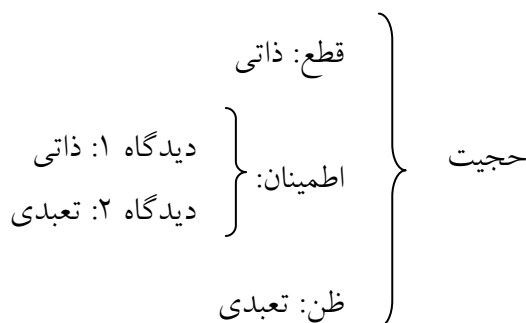
۳. یعنی باعث می‌شود راه ظن از اطمینان منفک بشود.

برخی اطمینان را ملحق به قطع دانسته‌اند و گفته‌اند همان گونه که قطع، ذاتاً حجت است، اطمینان هم ذاتاً حجت است؛ به این معنی که اطمینان به با توجه به ذاتش، هم منجز تکلیف است و هم معذر از تکلیف. بیان حجیت ذاتی: هرگاه اطمینان به تکلیف حاصل شد، حق طاعت مولی، به این تکلیف تعلق می‌یابد و واجب است که این تکلیف امثال شود و هرگاه اطمینان به عدم تکلیف پیدا شد، در این صورت این تکلیف از تحت حق طاعت مولی خارج می‌شود. پس اینکه می‌گوییم اطمینان به سان قطع حجت است یعنی اینکه هرگاه اطمینان به ثبوت تکلیف، تعلق یافت حق طاعت به این تکلیف تعلق می‌گیرد و هرگاه اطمینان به عدم تکلیف تعلق یافت، حق طاعت از این تکلیف ساقط خواهد شد. این ثبوت و سقوط حق طاعت، به حکم عقل خواهد بود؛ از همین جهت، متصف به ذاتی می‌شود؛ یعنی قطع و اطمینان، هرگاه به ثبوت تکلیف تعلق گیرند، به حکم عقل، حق طاعت بر این تکلیف استقرار خواهد یافت و هرگاه قطع و اطمینان به عدم تکلیف تعلق گیرند، به حکم عقل، حق طاعت از این تکلیف ساقط خواهد بود و دیگر امثال این تکلیف واجب نیست. این نخستین دیدگاهی است که در باب اطمینان مطرح شده است.

امکان منع شارع از عمل به اطمینان

طبق این مبنا برای عمل به اطمینان، دیگر نیازی نیست که به دنبال حجیت شرعی باشیم، بلکه می‌توان به اطمینان، مانند قطع عمل کرد. اما نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار بگیرد این است که ما در باب قطع بیان کردیم که شارع نمی‌تواند مکلف را از عمل به قطع خود باز دارد که از آن به قاعده «استحالة صدور ردع از عمل به قطع» تعبیر می‌شود و علت آن این است که مکلفی که قاطع به تکلیف است، به هیچ عنوان ترخیص جدی را نمی‌پذیرد و نمی‌تواند ترخیص شرعی را در مخالفت با این تکلیف قبول کند. همچنین مکلفی که قاطع به عدم تکلیف است، نمی‌تواند احتیاط شرعی را بپذیرد و از سوی شارع مقدس قبول کند که موظف به احتیاط شده است؛ بنابراین موارد قطع، از دست شارع خارج است؛ به بیان دیگر، او نمی‌تواند نه منجزیت را از قطع سلب کند و نه معذرت را از آن بردارد. اما در اطمینان این گونه نیست و شارع می‌تواند مکلف را از عمل به اطمینان باز دارد. علت آن است که در اطمینان، احتمال اندکی از مخالفت داده می‌شود و همین احتمال مخالفت، برای مکلف این امکان را ایجاد می‌کند که ترخیص یا احتیاطی را که از سوی شارع مقدس رسیده است بپذیرد و در قبال این تکلیف، خود را ملزم به امثال نکند و همچنین مواقعی که مکلف، اطمینان به عدم تکلیف دارد و شارع طبق فرض، خطایی دال بر احتیاط صادر فرموده، مکلف می‌تواند به خاطر این چند درصد اندکی که احتمال ثبوت تکلیف می‌دهد، جانب احتیاط را اتخاذ کند.

FG



تطبيق

و لا شكّ في حجّية الإحراز الواصل إلى درجة القطع تطبيقاً لمبدأ^۱ حجّية القطع، كما لا شكّ في أنّ الإحراز الظنّي غير كافٍ للمقصود ما لم يقدّم دليل شرعيّ على التعبد به^۲ فيدخل في نطاق الإحراز التعبدی.

شکی در حجیت احرازی که به مرتبه قطع رسیده است وجود ندارد که این از باب تطبیق اصل حجیت قطع است؛ همان گونه که شکی نیست در اینکه احراز ظنی کافی برای مقصود (اثبات دلیل شرعی) نیست تا زمانی که دلیل شرعی بر تعبد به این احراز و کشف ظنی قائم نشده باشد.^۳ اینجاست که احراز ظنی که دلیل شرعی بر تعبد آن قائم شده است، در دائره احراز تعبدی داخل می‌شود. (در واقع این وسیله‌ای که ما از آن به این احراز ظنی رسیدیم، یک وسیله احراز تعبدی محسوب می‌شود و از محل بحث ما خارج است و وسیله اثبات وجدانی به حساب نمی‌آید).

و أمّا الاطمئنان فقد يقال بحجّيته الذاتية عقلاً تنجيزاً وتعذيراً، كالقطع، بمعنى^۴ أنّ حقّ الطاعة الثابت عقلاً كما يشمل حالة القطع بالتكليف كذلك يشمل حالة الاطمئنان به، و كما لا يشمل حالة القطع بعدم التكليف كذلك لا يشمل حالة الاطمئنان بعدمه.

و اما درباره اطمینان گاه گفته می‌شود که به حکم عقل، دارای حجیت ذاتی است که هم منجز است و هم معذر؛ مانند قطع به این معنی که حق طاعتی که عقلاً ثابت است، همان گونه که حالت قطع به تکلیف را شامل می‌شود، حالت اطمینان به تکلیف را نیز شامل می‌شود و همان گونه که حق طاعت، به حکم عقل، حالت قطع به عدم تکلیف را شامل نمی‌شود، به همین شکل، حالت اطمینان به عدم تکلیف را نیز شامل نمی‌شود.

فإن صحّت هذه الدعوى^۵ لم تكن بحاجة إلى تعبد شرعيّ للعمل^۶ بالاطمئنان، مع فارق، وهو: إمكان الردع عن العمل بالاطمئنان مع عدم إمكانه في القطع، كما تقدّم^۸.

اگر این ادعا صحیح باشد، دیگر نیازی به تعبد شرعی برای عمل به اطمینان نیست؛ البته با وجود یک فرق‌گذاری بین اطمینان و قطع و آن این است که در اطمینان، امکان ردع از عمل به اطمینان وجود دارد، ولی در قطع چنین امکانی وجود ندارد (و شارع نمی‌تواند از عمل به قطع، ردع کند) چنانچه گذشت.

۱. یعنی: اصل.

۲. مرجع ضمیر: الاحراز الظنّي.

۳. به عبارت دیگر، تا وقتی دلیلی از ناحیه شرع بر حجیت این ظن قائم نشده باشد، نمی‌تواند کاشف از دلیل شرعی باشد. از دید شهید صدر، ظن بلکه مطلق انکشاف، منجز است؛ اما حجیتی که از راه ادله شرعی اثبات می‌شود، با منجزیتی که برآمده از حق الطاعة است، متفاوت است و یک حجیتی است که معذرت را هم در بر می‌گیرد.

۴. معنای حجیت ذاتی است.

۵. یعنی: ادعای حجیت ذاتی و عقلی اطمینان.

۶. متعلّق: بحاجة.

۷. متعلّق: بحاجة.

۸. یعنی: عدم امکان ردع در قطع.

دیدگاه دوم درباره کیفیت حجیت اطمینان

بیان شد که در چگونگی حجیت اطمینان دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول، قول به حجیت ذاتی آن بود که بیان گردید.

اما دیدگاه دوم، دیدگاهی است که اطمینان را به ظن ملحق می‌کند؛ در نتیجه به همان شکلی که ظن نیازمند به حجیت تبعیدی است، اطمینان هم نیازمند به حجیت تبعیدی است؛ بنابراین باید به دنبال دلیل شرعی بگردیم تا به اطمینان، حجیت شرعی ببخشد. دلیلی که می‌توان برای حجیت عمل به اطمینان اقامه کرد، سیره عقلا است؛ چرا که آنها به اطمینان‌های خود عمل نموده و به احتمال اندک مخالفت، به هیچ عنوان اعتنا نمی‌کنند. همین می‌تواند برای ما به عنوان یک دلیل شرعی باشد، چون مورد ردع شارع مقدس قرار نگرفته است و معصوم (ع) در قبال سیره عمل به اطمینان که در زمان او وجود داشته است، موضع منفی اتخاذ ننموده و سکوت کرده است و همین سکوت معصوم (ع)، بر امضا او دلالت می‌کند. پس از این سیره عقلانی معاصر با معصوم (ع) که مبتنی بر عمل به اطمینان انعقاد یافته و همراه با سکوت معصوم (ع) شده است، می‌توان بر حجیت شرعی اطمینان استدلال نمود. نکته‌ای که در اینجا هست این است که باید دو رکن دلالت سیره یعنی معاصریت آن با عصر معصوم (ع) و سکوت معصوم (ع) در قبال این سیره، به نحو قطعی ثابت شود و می‌بایست قطع داشته باشیم که سیره عمل به اطمینان در عصر معصوم (ع) برپا بوده و نیز قطع داشته باشیم که معصوم (ع) در قبال این سیره سکوت نموده است و نمی‌توان یکی از این دو رکن یا هر دو رکن را به وسیله اطمینان ثابت کرد و گرنه دور حاصل می‌شود؛ چون به این معناست که از اطمینان، برای حجیت اطمینان بهره گرفته‌ایم.

FG

دیدگاه اول: حجیت آن مانند قطع ذاتی است.
دیدگاه دوم (شهید صدر): حجیت آن مانند ظن تبعیدی است.

اقوال در کیفیت حجیت اطمینان

تطبیق

و إن لم تصحّ هذه الدعوى تعيّن طلب الدليل على التعبد الشرعيّ بالاطمئنان. و الدليل هو السيرة العقلانيّة الممضاة بدلالة السكوت.

اگر این دعوی یعنی حجیت ذاتی قطع، صحیح نباشد، جستجوی از دلیل برای آنکه تعبد شرعی به اطمینان ثابت شود، ضرورت خواهد یافت و دلیل عبارت است از سیره عقلانی‌ای که به واسطه دلالت سکوت، امضاء شده باشد. (گفتیم که سکوت دلالت بر امضا دارد).

و فی مقام الاستدلال علی حجّیة الاطمئنان شرعاً بالسیرة^۱ العقلائیة مع سکوت الشارع عنها لابدّ من افتراض القطع بهذین الرکنین، ولا یکفی الاطمئنان،

و در مقام استدلال بر حجیت شرعی اطمینان به واسطه سیره عقلانیّه که با سکوت شارع در قبال این سیره همراه است می‌بایست به این دو رکن (یعنی معاصریت یک سیره با عصر معصوم (ع) و سکوت معصوم (ع) در برابر آن) قطع داشته باشیم و اطمینان، کافی نیست. (بله اگر اطمینان، دارای حجت ذاتی باشد، در سیره‌های دیگری غیر از سیره عمل به اطمینان، می‌توان به اطمینان به معاصریت یک سیره با عصر معصوم (ع) و اطمینان به سکوت معصوم (ع) اکتفا کرد؛ اما در سیره عمل به اطمینان که می‌خواهد برای اثبات حجیت شرعی اطمینان به کار گرفته شود دیگر اطمینان، کافی نیست.)

وإلّا کان من الاستدلال علی حجّیة الاطمئنان بالاطمئنان^۲.

و در غیر این صورت، لازم می‌آید که بر حجیت اطمینان، به خود اطمینان استدلال کرده باشیم (و این دور خواهد بود).

خلاصه بحث: اطمینان از دید برخی، ملحق به قطع و حجت ذاتی است و از دید برخی، ملحق به ظن است و حجیت تبعدی نیاز دارد.

SC03:35:53

۱. متعلّق: الاستدلال.

۲. متعلّق: الاستدلال.

چکیده

۱. وسائل احراز وجدانی، گاهی به قطع و گاهی به اطمینان و گاهی به ظن به دلیل شرعی منجر می‌شود.
۲. در قطع، احتمال خلاف داده نمی‌شود ولی در اطمینان و ظن، این احتمال داده می‌شود؛ با این تفاوت که احتمال خلاف موجود در اطمینان، ناچیز بوده و از نظر عرف، کالعدم محسوب می‌شود؛ ولی در ظن، قابل اعتنا بوده و عرف آن را کالعدم نمی‌داند. برای همین، عمل به ظن، محتاج اذن شارع است.
۳. درباره حجیت اطمینان دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول می‌گوید حجیت آن مانند قطع، ذاتی است و دیدگاه دیگر قائل است که اطمینان، ملحق به ظن بوده و حجیت آن تبعیدی و محتاج به دلیل شرعی است.
۴. دلیلی که شهید صدر برای حجیت اطمینان ذکر می‌کند، سیره عقلانی است که در زمان معصوم (ع) به همراه سکوت معصوم (ع) در قبال آن رواج داشته است. البته به شرطی که دو رکن لازم برای اعتبار سیره یعنی معاصریت یک سیره با عصر معصوم (ع) و سکوت معصوم (ع) در برابر آن، از روی قطع ثابت گردد، نه از روی اطمینان.